

آیه ۷۸ - ۸۰

آیه و ترجمه

لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان داود و عيسى ابن مريم ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون ۷۸

كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا يفعلون ۷۹  
تري كثيرا منهم يتولون الذين كفروا لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم و فى العذاب هم خلدون ۸۰

ترجمه :

۷۸ - آنها که از بنی اسرائیل کافر شدند بر زبان داود و عیسی بن مریم لعن (و نفرین) شدند، این بخاطر آن بود که گناه می کردند و تجاوز می نمودند.

۷۹ - آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند یکدیگر را نهی نمی کردند چه بدکاری انجام می دادند.

۸۰ - بسیاری از آنها را میبینی که کافران (و بت پرستان) را دوست می دارند (و با آنها طرح دوستی می ریزند) چه بد اعمالی از پیش برای (معاد) خود فرستادند که نتیجه آن خشم خداوند بود و در عذاب (الهی) جاودانه خواهند ماند.

تفسیر:

در این آیات برای اینکه از تقلیدهای کورکورانه اهل کتاب از پیشینیان نشان جلوگیری کند اشاره به سرنوشت شوم آنها کرده و می گوید: کافران از بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی بن مریم، لعن شدند و این دو پیامبر بزرگ از

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۳

خدا خواستند که آنها را از رحمت خویش دور سازد

(لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان داود و عيسى ابن مريم)

در اینکه چرا تنها نام این دو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برده شده است مفسران احتمالاتی داده اند گاهی گفته می شود، علت آن این است که سرشناسترین پیامبران بعد از موسی (علیه السلام) این دو پیامبر بودند، و گاهی گفته می شود که بسیاری از اهل کتاب افتخار می کردند که فرزندان داودند، قرآن با این جمله اعلام می کند که داود از کسانی که راه کفر و طغیان

پیش گرفتند، متنفر بود، و بعضی گفته‌اند که این آیه اشاره به دو واقعه تاریخی است که خشم این دو پیامبر بزرگ رابرانگیخت و جمعی از بنی اسرائیل را نفرین کردند، داود در مورد ساکنان شهر ساحلی ایله که به اصحاب سبت معروفند و سرگذشت آنها در سوره اعراف خواهد آمد، و حضرت مسیح درباره جمعی از پیروان خود که بعد از نزول مائده آسمانی باز هم راه انکار و مخالفت را پیش گرفتند لعن و نفرین نمود.

در هر حال آیه اشاره به این است که بودن جزء نژاد بنی اسرائیل و یا جزء اتباع مسیح، مادام که هماهنگی با برنامه‌های آنها نبوده باشد باعث نجات کسی نخواهد شد بلکه خود این پیامبران از اینگونه افراد ابراز تنفر و انزجار کردند. جمله آخر آیه نیز این مطلب را تاکید می‌کند و می‌گوید: این اعلام تنفر و بیزاری بخاطر آن بود که آنها گناهکار و متجاوز بودند

(ذلک بما عصوا و کانوا یعبدون)

به علاوه آنها بهیچوجه مسولیت اجتماعی برای خود قائل نبودند، و یکدیگر را از کار خلاف نهی نمی‌کردند، و حتی جمعی از نیکان آنها باسکوت و سازشکاری، افراد گناهکار را عملاً تشویق می‌کردند

(کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه)

و به این ترتیب برنامه اعمال آنها بسیار زشت و ناپسند بود

(لبئس ما کانوا یفعلون)

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۴

در تفسیر این آیه روایاتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده که بسیار آموزنده است. در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم لتامرنا بالمعروف و لتنهون عن المنکر و لتاخذن علی ید السفیه و لتاظرنه علی الحق اطرا، او لیضربن الله قلوب بعضکم علی بعض و یلعنکم کما لعنهم: «حتما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست افراد نادان را بگیرید و به سوی حق دعوت نمائید و الا خداوند قلوب شما را همانند یکدیگر می‌کند و شما را از رحمت خود دور می‌سازد همانطور که آنها را از رحمت خویش دور ساخت!»

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه چنین نقل شده است: اما انهم لم یکنوا یدخلون مداخلهم و لایجلسون مجالسهم و لکن کانوا اذا لقوهم ضحکوا فی وجوههم و

انسوابعهم: «این دسته که خداوند از آنها مذمت کرده هرگز در کارها و مجالس گناهکاران شرکت نداشتند، بلکه فقط هنگامی که آنها را ملاقات می کردند، در صورت آنان می خندیدند و با آنها مانوس بودند». و در آیه بعد به یکی دیگر از اعمال خلاف آنها اشاره کرده، بسیاری از آنان را میبینی که طرح دوستی و محبت با کافران میریزند (تری کثیرا منهم یتولون الذین کفروا) بدیهی است که دوستی آنها ساده نبود، بلکه دوستی آمیخته با انواع گناه و تشویق آنان به اعمال و افکار غلط بود، و لذا در آخر آیه می فرماید: «چه بد».

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵

اعمالی از پیش برای معاد خود فرستادند، اعمالی که نتیجه آن، خشم و غضب الهی بود و در عذاب الهی جاودانه خواهند ماند» (لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم و فی العذاب هم خالدون) درباره اینکه منظور از الذین کفروا در این آیه چه اشخاصی هستند بعضی احتمال داده اند منظور مشرکان مکه اند که یهود با آنها طرح دوستی ریخته بودند، و بعضی احتمال داده اند که منظور جباران و ستمگرانی بوده اند که یهود در اعصار گذشته طرح دوستی با آنها می ریختند حدیثی که از امام باقر (علیه السلام) در این زمینه نقل شده نیز این معنی را تایید می کند آنجا که می فرماید: یتولون الملوک الجبارین و یزینون لهم اهوائهم لیصیبوا من دنیاهم: «این دسته کسانی بودند که جباران را دوست می داشتند و اعمال هوس آلود آنان را در نظرشان خوب جلوه می دادند تا به آنها نزدیک شوند و از دنیاشان بهره گیرند!» هیچ مانعی ندارد که آیه اشاره به هر دو معنی بلکه اعم از آنها باشد.

آیه ۸۱

آیه و ترجمه

و لو کانوا یؤمنون بالله و النبی و ما انزل الیه ما اتخذوهم اولیاء و لکن کثیرا منهم فسقون ۸۱

ترجمه :

۸۱ - و اگر ایمان به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آنچه بر او نازل شده می آوردند (هرگز) آنها را بدوستی اختیار نمی کردند، ولی بسیاری از آنها فاسقند.

## تفسیر:

در این آیه راه نجات از این برنامه غلط و نادرست را به آنها نشان میدهد

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۶

که اگر راستی ایمان به خدا و پیامبر و آنچه بر او نازل شده است می داشتند هیچگاه تن به دوستی بیگانگان و دشمنان خدا در نمی دادند و آنان را به عنوان تکیه گاه خود انتخاب نمی کردند (و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما انزل اليه ما اتخذوهم اولياء)

ولی متأسفانه در میان آنها کسانی که مطیع فرمان الهی باشند کمند و بسیاری از آنها از دایره فرمان خدا خارج شده، راه فسق را پیش گرفته اند (و لکن كثيرا منهم فاسقون)

روشن است که منظور از «النبي» در اینجا پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است زیرا در قرآن مجید در آیات مختلف این کلمه به همین معنی به کار رفته است، و این موضوع در دهها آیه از قرآن دیده می شود. احتمال دیگری در تفسیر آیه نیز هست که ضمیر كانوا به مشرکان و بت پرستان برگردد، یعنی اگر این مشرکان که مورد علاقه و اعتماد یهودند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و قرآن ایمان می آوردند، هیچگاه یهود آنها را دوست خود انتخاب نمی کردند و این نشانه روشن گمراهی و فسق آنها است زیرا با ادعای پیروی از کتب آسمانی بت پرستان را تازمانی که مشرکند به دوستی بر می گزینند و همینکه به سوی خدا و کتب آسمانی آمدند از آنها فاصله می گیرند!

ولی تفسیر اول با ظاهر آیات سازگارتر است و طبق آن تمام ضمائری که به یک مرجع (یعنی یهود) باز می گردد.

تفسیر نمونه ج: ۵ ص: ۴۷ آغاز جزء هفتم قرآن

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۹

آیه ۸۲ - ۸۶

آیه و ترجمه

لتجدن اءشد الناس عدوة للذين امنوا اليهود و الذين اشرکوا و لتجدن اقربهم مودة للذين امنوا الذين قالوا انا نصری ذلک بان منهم قسيسين و رهبانا و انهم لا يستکبرون ۸۲

و اذا سمعوا ما انزل الى الرسول ترى اءعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من  
 الحق يقولون ربنا امننا فاكتبنا مع الشهادين ٨٣  
 و ما لنا لا نؤمن بالله و ما جانا من الحق و نطمع ان يدخلنا ربنا مع  
 القوم الصالحين ٨٤  
 فاثبهم الله بما قالوا جنت تجري من تحتها الانهر خلدین فیها و ذلك جزاء  
 المحسنين ٨٥  
 و الذين كفروا و كذبوا بايتنا اولئك اصحاب الجحيم ٨٦  
 ترجمه :  
 ٨٢ - بطور مسلم يهود و مشرکان را دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی  
 یافت، ولی

#### تفسير نمونه جلد ٥ صفحه ٥٠

آنها را که می گویند مسیحی هستیم نزدیکترین دوستان به مومنان میبایی،  
 این به خاطر آن است که در میان آنها افرادی دانشمند و تارک دنیا هستند و  
 آنها (در برابر حق) تکبر نمی ورزند.  
 ٨٣ - و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر نازل شده بشنوند چشمهای آنها  
 رامی بینی که (از شوق) اشک می ریزد بخاطر حقیقتی را که دریافته اند، آنها  
 می گویند: پروردگارا ایمان آوردیم، ما را با گواهان (و شاهدان حق) بنویس.  
 ٨٤ - چرا ما ایمان به خدا و آنچه از حق به ما رسیده نیاوریم در حالی که آرزو  
 داریم ما را در زمره جمعیت صالحان قرار دهد؟!  
 ٨٥ - خداوند آنها را به خاطر این سخن باغهایی از بهشت پاداش داد که از زیر  
 درختان آن نهرها جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این جزای  
 نیکوکاران است.  
 ٨٦ - و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند آنها اهل دوزخند.

#### شاء نزول:

#### نخستین مهاجران اسلام

بسیاری از مفسران از جمله طبرسی در مجمع البیان و فخر رازی و نویسندگان  
 السمنار در تفسیرهای خود از مفسران پیشین نقل کرده اند که این آیات درباره  
 نجاشی زمامدار حبشه در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و یاران او  
 نازل شده است و در حدیثی که در تفسیر برهان نقل شده این موضوع مشروحا  
 آمده است.

آنچه از روایات اسلامی و تواریخ و گفتار مفسران در این زمینه استفاده می‌شود چنین است:

در سالهای نخستین بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و دعوت عمومی او، مسلمانان در اقلیت شدیدی قرار داشتند، قریش به قبائل عرب توصیه کرده بود که هر کدام،

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۵۱

افراد وابسته خود را که به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان آورده است تحت فشار شدید قرار دهند و به این ترتیب هر یک از مسلمانان از طرف قوم و قبیله خود سخت تحت فشار قرار داشت.

آن روز تعداد مسلمانان برای دست زدن به یک جهاد آزادیبخش کافی نبود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای حفظ این دسته کوچک، و تهیه پایگاهی برای مسلمانان در بیرون حجاز، به آنها دستور مهاجرت داد، و حبشه را برای این مقصد انتخاب فرمود و گفت: در آنجا زمامدار صالحی است که از ستم و ستمگری جلوگیری می‌کند، شما آنجا بروید تا خداوند فرصت مناسبی در اختیار ما بگذارد.

منظور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نجاشی بود (نجاشی اسم عامی بود همانند کسری که به تمام سلاطین حبشه گفته می‌شد، اما اسم نجاشی معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اصحمه که در زبان حبشی به معنی عطیه و بخشش است بود).

یازده مرد و چهار زن از مسلمانان عازم حبشه شدند و از طریق دریا با کرایه کردن کشتی کوچکی راه حبشه را پیش گرفتند، و این در ماه رجب سال پنجم بعثت بود، و این مهاجرت، مهاجرت اول نام گرفت.

چیزی نگذشت که «جعفر بن ابوطالب» و جمعی دیگر از مسلمانان به حبشه رفتند و هسته اصلی یک جمعیت متشکل اسلامی را که از ۸۲ نفر مرد و عده قابل ملاحظه‌ای زن و کودک تشکیل میشد به وجود آوردند.

طرح این مهاجرت برای بت پرستان سخت دردناک بود، زیرا بخوبی میدیدند چیزی نخواهد گذشت که با یک جمعیت متشکل نیرومند از مسلمانان که تدریجاً اسلام را پذیرفته و به سرزمین امن و امان حبشه رفته‌اند روبرو خواهند شد، برای بهم زدن این موقعیت دست به کار شدند، و دو نفر از جوانان باهوش و فعال و حیل‌هگر و پشت هم انداز یعنی عمرو بن عاص و عماره بن ولید را برای

بهم زدن موقعیت مسلمانان حبشه انتخاب کردند و با هدایای فراوانی به حبشه فرستادند،

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۵۲

این دو نفر در کشتی شراب نوشیدند و بجان هم افتادند ولی بهر حال برای پیاده کردن نقشه خود وارد سرزمین حبشه شدند، و با مقدماتی به حضور نجاشی بار یافتند، و قبلا با دادن هدایای گرانبهائی به اطرافیان نجاشی موافقت آنها را جلب کرده و قول تایید و طرفداری از آنان گرفته بودند. عمرو عاص سخنان خود را از اینجا شروع کرد، و با نجاشی چنین گفت: ما فرستادگان بزرگان مکهایم تعدادی از جوانان سبک مغز در میان ما پرچم مخالفت برافراشته اند و از آئین نیاکان خود برگشته و به بدگوئی از خدایان ما پرداخته و آشوب و فتنه بپا کرده و در میان مردم تخم نفاق پاشیده اند، و از موقعیت سرزمین شما سوء استفاده کرده و به اینجا پناه آوردند، ما از آن می ترسیم که در اینجا نیز دست به اخلاگری زنند، بهترین است که آنها را به ما بسپارید و به محل خود باز گردانیم... این را گفتند و هدایائی را که با خود آورده بودند تقدیم داشتند. نجاشی گفت:

تا من با نمایندگان این پناهندگان به کشورم تماس نگیرم نمی توانم در این زمینه سخن بگویم، و از آنجا که این بحث یک بحث مذهبی است باید از نمایندگان مذهبی نیز در جلسهای در حضور شما دعوت شود. روز دیگری در یک جلسه مهم که اطرافیان نجاشی و جمعی از دانشمندان مسیحی و جعفر بن ابی طالب به عنوان نمایندگی مسلمانان، و نمایندگان قریش، حضور داشتند، نجاشی پس از استماع سخنان نمایندگان قریش رو به جعفر کرد و از او خواست که نظر خود را در این زمینه بیان کند. «جعفر» پس از ادای احترام چنین گفت: نخست از اینها بپرسید آیا ماجز، بردگان فراری این جمعیتیم؟! عمرو گفت: نه شما آزادید. جعفر - و نیز سؤال کنید آیا آنها دینی بر دمه ما دارند که آن را از ما

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۵۳

میطلبند؟! عمرو - نه ما هیچگونه مطالبهای از شما نداریم. جعفر - آیا خونی از شما ریخته ایم؟ که آنرا از ما میطلبید؟! عمرو - نه چنین



چیزی در کار نیست.

جعفر - پس از ما چه می‌خواهید که اینهمه ما را شکنجه و آزار دادید و ما از سرزمین شما که مرکز ظلم و بیدادگری بود بیرون آمدیم؟!

سپس جعفر رو به نجاشی کرد و گفت: ما جمعی نادان بودیم، بت پرستی می‌کردیم، گوشت مردار می‌خوردیم، انواع کارهای زشت و ننگین انجام می‌دادیم، قطع رحم می‌کردیم و نسبت به همسایگان خویش بد رفتاری داشتیم، و نیرومندان ما ضعیفان را می‌خوردند! ولی خداوند پیامبری در میان ما مبعوث کرد که به ما دستور داده است هرگونه شبیه و شریک را از خدا دور سازیم و فحشاء و منکرات و ظلم و ستم و قمار را ترک گوئیم، به ما دستور داده نماز بخوانیم، زکات بدهیم، عدالت و احسان پیشه کنیم و بستگان خود را کمک نمائیم.

نجاشی گفت: عیسای مسیح نیز برای همین مبعوث شده بود! سپس از جعفر پرسید آیا چیزی از آیاتی که بر پیامبر شما نازل شده است حفظ داری؟ جعفر گفت: آری و سپس شروع به خواندن سوره مریم کرد.

حسن انتخاب جعفر، در مورد آیات تکان دهنده این سوره که مسیح و مادرش را از هر گونه تهمتهای ناروا پاک می‌سازد، اثر عجیبی گذاشت تا آنجا که قطره‌های اشک شوق، از دیدگان دانشمندان مسیحی سرازیر گشت، و نجاشی صدا زد به خدا سوگند نشانه‌های حقیقت در این آیات نمایان است! هنگامی که عمرو خواست در اینجا سخنی بگوید و تقاضای سپردن

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۵۴

مسلمانان را بدست وی کند، نجاشی دست بلند کرد، و محکم بر صورت عمرو کوبید و گفت: خاموش باش بخدا سوگند اگر بیش از این سخنی در مذمت این جمعیت بگوئی ترا مجازات خواهم کرد! این جمله را گفت و رو به مامورین کرد و صدا زد هدایای آنها را به آنان برگردانید و آنها را از حبشه بیرون نمائید، و به جعفر و یارانش گفت آسوده خاطر در کشور من زندگی کنید! این پیش آمد علاوه بر اثر تبلیغی عمیقی که در زمینه شناساندن اسلام به جمعی از مردم حبشه داشت، سبب شد که مسلمانان مکه جدا روی این پایگاه مطمئن حساب کنند، و مسلمانان تازه وارد را برای آن روز که قدرت کافی بیابند به آنجا روانه سازند.

سالها گذشت، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هجرت کرد و کار اسلام بالا



گرفت، و عهدنامه حدیبیه امضا شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) متوجه فتح خیبر گشت، در آن روز که مسلمانان از فرط شادی به خاطر در هم شکستن بزرگترین کانون خطر یهود در پوست نمی گنجیدند، از دور شاهد حرکت دستجمعی عدهای بسوی سپاه اسلام بودند، چیزی نگذشت که معلوم شد این جمعیت همان مهاجران حبشه اند که به آغوش وطن باز می گردند در حالی که قدرتهای اهریمنی دشمنان در هم شکسته شده و نهال اسلام به قدر کافی ریشه دوانیده است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با مشاهده جعفر و مهاجران حبشه، این جمله تاریخی را فرمود: لا ادري انا بفتح خیبر اسر ام بقدم جعفر؟! نمی دانم از پیروزی خیبر خوشحالتر باشم یا از بازگشت جعفر؟

می گویند علاوه بر مسلمانان، هشت نفر از شامیان که در میان آنها یک راهب مسیحی بود و تمایل شدید به اسلام پیدا کرده بودند، خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند و پس از شنیدن آیات سوره یس بگریه افتادند و مسلمان شدند و گفتند چقدر این آیات به تعلیمات راستین مسیح شباهت دارد.

و طبق روایتی که در تفسیر المنار از سعید بن جبیر نقل شده نجاشی سی نفر

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۵۵

از بهترین یاران خود را به عنوان اظهاریه علاقه به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آئین اسلام به مدینه فرستاد، و همانها بودند که با شنیدن آیات سوره یس گریستند و اسلام را پذیرفتند، آیات فوق نازل شد و از این مومنان تجلیل کرد.

(این شان نزول منافات با آن ندارد که سوره مائده در اواخر عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده باشد، زیرا این سخن مربوط به اکثریت آیات سوره است، هیچ مانعی ندارد که بعضی از آیات در حوادث قبل نازل شده باشد و بدستور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مناسبت هائی در این سوره قرار گیرد).

#### تفسیر:

کینه توزی یهود و نرمش نصاری در این آیات مقایسه های میان یهودیان و مسیحیانی که معاصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده اند شده است.

در نخستین آیه یهود و مشرکان در یک صف قرار داده شده‌اند و مسیحیان در صف دیگر، در آغاز می‌گویند: سرسخت‌ترین دشمنان مومنان، یهود و مشرکان هستند، و با محبت‌ترین آنها نسبت به مومنان مدعیان مسیحیتند (لتجدن اشد الناس عداوة للذين آمنوا اليهود و الذين اشرکوا و لتجدن اقربهم مودة للذين آمنوا الذين قالوا انا نصارى).

تاریخ اسلام بخوبی گواه این حقیقت است، زیرا در بسیاری از صحنه‌های نبردهای ضد اسلامی، یهود بطور مستقیم یا غیر مستقیم دخالت داشتند و از هر گونه کار شکنی و دشمنی خود داری نمی‌کردند، افراد بسیار کمی از آنها به اسلام گرویدند، در حالی که در غزوات اسلامی، کمتر مسلمانان را مواجه با مسیحیان می‌بینیم و نیز افراد زیادی از آنها را مشاهده می‌کنیم که به صفوف مسلمین پیوستند.

سپس قرآن دلیل این تفاوت روحیه و خط مشی اجتماعی را طی چند جمله

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۵۶

بیان کرده، می‌گویند: مسیحیان معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) امتیازاتی داشتند که در یهود نبود.

نخست اینکه: در میان آنها جمعی دانشمند بودند که به اندازه دانشمندان دنیاپرست یهود در کتمان حقیقت کوشش نداشتند (ذلک بان منهم قسیسین) و نیز در میان آنها جمعی تاریک دنیا بودند که درست در نقطه مقابل حریصان یهود گام برمی‌داشتند، هر چند گرفتار انحرافات بودند ولی باز در سطحی بالاتر از یهود قرار داشتند (و رهبانا).

بسیاری از آنها در برابر پذیرش حق خاضع بودند و تکبری از خود نشان نمی‌دادند، در حالی که اکثریت یهود به خاطر اینکه خود را نژاد برتر می‌دانستند، از قبول آئین اسلام که از نژاد یهود برنخاسته بود سر باز می‌زدند (و انهم لا یتکبرون).

به علاوه جمعی از آنان (همانند همراهان جعفر و جمعی از مسیحیان حبشه) هنگامی که آیات قرآن را می‌شنیدند، اشک شوق از دیدگان‌شان بخاطر دست یافتن به حق سرازیر می‌شد (و اذا سمعوا ما انزل الی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق).

و با صراحت و شهادت و بینظری صدا می‌زدند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، ما را از گواهان حق و همراهان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و یاران او قرار

ده (يقولون ربنا آمنة فاكتمنا مع الشاهدین).  
آنها بقدری تحت تاثیر آیات تکان دهنده این کتاب آسمانی قرار می گرفتند که می گفتند: چگونه ممکن است ما به خداوند یگانه و حقایقی که از طرف او آمده است ایمان نیاوریم در حالی که انتظار داریم ما را در زمره جمعیت صالحان قرار دهد.

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۵۷

(و ما لنا لا نؤمن بالله و ما جائنا من الحق و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین).

البته همانطور که در بالا اشاره کردیم، این مقایسه بیشتر درباره یهود و مسیحیان معاصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است، زیرا یهود با اینکه دارای کتاب آسمانی بودند، بخاطر دل بستگی بیش از اندازه به مادیات، در صف مشرکانی قرار گرفته بودند که از نظر مذهبی با آنها هیچ وجه اشتراکی نداشتند، در حالی که در ابتدا، یهودیان مبشران اسلام محسوب می شدند و انحرافات همانند تثلیث و غلو مسیحیت را نداشتند، اما دنیا پرستی شدید آنها را به کلی از حق بیگانه کرد، در حالی که مسیحیان آن عصر چنین نبودند. ولی تاریخ گذشته و معاصر به ما می گوید: مسیحیان قرون بعد درباره اسلام و مسلمین، مرتکب جنایاتی شدند که دست کمی از یهود نداشت.

جنگهای طولانی و خونین صلیبی در گذشته و تحریکات فراوانی که امروز از ناحیه استعمار کشورهای مسیحی بر ضد اسلام و مسلمین می شود چیزی نیست که بر کسی پنهان باشد، بنابر این نباید آیات فوق را به عنوان یک قانون کلی در باره همه مسیحیان دانست جمله های اذاسمعوا ما انزل الی الرسول... و ما بعد آن، گواه بر این است که این آیات درباره جمعی از مسیحیان معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده است.

در دو آیه بعد به سرنوشت این دو طایفه و پاداش و کیفر آنها اشاره شد، نخست می گوید: آنها که در برابر افراد با ایمان، محبت نشان دادند، و در مقابل آیات الهی سر تسلیم فرود آوردند، و با صراحت ایمان خود را اظهار داشتند، خداوند در برابر این به آنها باغهای بهشت را پاداش می دهد که از زیر درختان آن نهرها جاری است و جاودانه در آن میمانند و این است جزای نیکوکاران

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۵۸

(فأثابهم الله بما قالوا جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها و ذاك  
جزاء المحسنين)(۱)  
و در مقابل، آنها که راه دشمنی را پیمودند و کافر شدند و آیات خدا را تکذیب  
کردند اهل دوزخند (و الذين كفروا و كذبوا بآياتنا أولئك اصحاب الجحيم).

بعد ←

↑ فترت

→ قبل